

# ازدواج و تابعیت

دکتر بهشید ارفع نیا

لیست «تحمیلی» قرار گرفته‌اند که با احتساب کشور ایران این رقم به ۱۵ می‌رسد. در واقع این کشورها از دسته اول هستند که تابعیت خود را در اثر ازدواج یکی از اتباع خود با زن بیگانه به آن زن تحمیل می‌کنند و ۴۲ کشور جزء لیست «اختیاری» قرار گرفته‌اند که کشورهای دسته دوم هستند و به زن خارجی اجازه می‌دهند که در صورت تمایل، تابعیت شوهر خود را بدون رعایت شرایط عادی تحصیل تابعیت کسب نماید.

بدیهی است در کلیه کشورها اعم از کشورهایایی که طرفدار اصل وحدت تابعیت هستند و کشورهایایی که طرفدار اصل استقلال تابعیت هستند، هرگاه شوهر بخواهد به تابعیت کشور متبوع زن درآید تسهیلات خاصی را جهت تحصیل تابعیت وی در نظر گرفته‌اند. مثلاً در ایران اشخاص خاصی که بخواهند به تابعیت ایران درآیند در صورتی که دارای زن ایرانی باشند و از وی اولادی داشته باشند طبق ماده ۹۸۰ قانون مدنی ممکن است از شرط اقامت به مدت ۵ سال در ایران که یکی از شرایط اصلی تحصیل تابعیت ایران است معاف شوند.

هم‌چنین به موجب بند ۲ ماده ۲۱ قانون تابعیت تونس مرد بیگانه‌ای که با یک زن تونسی ازدواج نموده می‌تواند بدون رعایت شرط اقامت به مدت ۵ سال در تونس، تابعیت تونس را کسب کند مشروط بر اینکه طرفین هنگام تقدیم تقاضا در تونس اقامت داشته باشند.

## قوانین ایران

قبل از ورود در بحث تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج در ایران لازم است مقدمتاً به یکی دو نکته مهم از قوانین ایران اشاره کنیم:

۱- به موجب ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی ایران: «نکاح مسلمه با غیر مسلمه جایز نیست» بنابراین با توجه به اینکه اکثریت مردم ایران را مسلمانان تشکیل می‌دهند و دین رسمی ما اسلام است هرگاه زنی مسلمان بخواهد با مردی غیر مسلمان (اعم از اینکه ایرانی باشد یا

مزیور با مرد بیگانه ازدواج نماید قائل به تفکیک شده (مثل ایران)، در هر دو مورد به یکسان عمل نمی‌کنند.

البته در این خصوص بحث بسیار شده و بعضی از حقوقدانان می‌گویند همانطور که امروزه زن و مرد در همه حقوق خود باید مساوی باشند در مورد تابعیت و تغییر آن در اثر ازدواج نیز باید طرفین مساوی باشند و بدون هیچ گونه اجباری باید به زن یا مرد اختیار داده شود که در صورتی که تمایل به حفظ وحدت در خانواده داشته باشد، خود تقاضای تابعیت همسر خود را بکند و قوانین آن کشور نیز باید تسهیلاتی در این خصوص در نظر بگیرند.

در این خصوص حتی بعضی عقیده دارند که در واقع زن با تصمیم بر ازدواج با مردی خارجی خود به خود اراده‌ی خویش را برای کسب تابعیت کشور متبوع زوج اعلام نموده است. در حالی که ممکن است زنی که می‌خواهد با مردی خارجی ازدواج کند، اصولاً هیچ گونه اطلاعی از قوانین آن کشور در خصوص مورد نداشته باشد یا حتی با فرض اطلاع هیچ علاقه‌ای به تغییر تابعیت نداشته باشد. بنابراین نمی‌توان ادعا کرد که صرف تمایل به ازدواج با مردی بیگانه نشانگر اعلام اراده‌ی زن نسبت به تحصیل تابعیت آن کشور خارجی می‌باشد. به هر حال با توجه به اینکه تابعیت رابطه‌ای سیاسی است، سیاست هر دولت در این مورد تعیین کننده است.

بنا به مراتب فوق اصولاً کشورها در مورد موضوع تغییر تابعیت در اثر ازدواج به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- کشورهای طرفدار اصل وحدت تابعیت که تابعیت زوج را به زوجه‌ی خارجی تحمیل می‌کنند.

۲- کشورهای طرفدار اصل استقلال تابعیت که زن خارجی را در حفظ تابعیت اصلی یا تحصیل تابعیت زوج مخیر می‌دانند.

بر اساس فهرستی که وزارت امور خارجه ایران در این مورد تهیه نموده جمعاً ۱۴ کشور جزء



آیا می‌دانید چرا بسیاری از کشورها ازدواج یک نفر از اتباع خود با تبعه‌ای بیگانه را باعث تغییر تابعیت یکی از آن دو می‌دانند؟

این امر جهت حفظ وحدت خانواده است زیرا زن و شوهری که دارای دو تابعیت مختلف می‌باشند طبیعتاً با زندگی در هر یک از این دو کشور نخواهند توانست از حقوق و مزایای واحدی برخوردار باشند، مگر اینکه یکی از آن دو با تحصیل تابعیت دیگری به دلیل ازدواج، وحدت را حفظ کند و هر دو به عنوان اتباع آن کشور از حقوق و امتیازات مشابهی برخوردار شوند.

لازم به ذکر است که در قانون این قبیل کشورها که طرفدار رعایت وحدت در خانواده می‌باشند، اغلب تغییر تابعیت زن را اثر ازدواج، به اجبار یا اختیار پیش‌بینی نموده‌اند و حتی گاهی در این خصوص بین مردی که مردی از آن کشور با زن بیگانه ازدواج کند با مردی که زنی از کشور

خارجی) ازدواج کند، باید قبل از هر چیز مرد به دین اسلام مشرف شود تا این ازدواج مخالفتی با ماده ۱۰۵۹ ق.م.ن.داشته باشد.

۲- مطابق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ایران: «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است.» منظور از مانع قانونی مذکور در این ماده مواعی است که طی مواد ۱۰۴۵ تا ۱۰۵۹ قانون مدنی به آنها اشاره شده است و شامل نکاح با اقارب نسبی، رضاعی، سببی و غیره است.

بنابراین حسب ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی هرگاه زن ایرانی بخواهد با مردی خارجی ازدواج کند اولاً نباید موانع ازدواج مذکور در مواد پانزده گانه فوق وجود داشته باشد ثانیاً باید در این مورد اجازه خاصی تحت عنوان پروانه زناشویی از وزارت کشور بر مبنای آیین نامه مصوب مهر ۱۳۴۵ (اصلاحی ۱۳۴۹) صادر شود.

گرچه عدم تحصیل پروانه زناشویی موجب بطلان عقد ازدواج نیست ولی باعث بروز مشکلات عدیده برای طرفین خواهد بود. به عنوان مثال در صورتی که بین زن و شوهر مسایلی مطرح شود (مانند نفقه، تمکین، حضانت و غیره) که نیاز به مراجعه به دادگاه جهت حل معضل خود داشته باشند، دادگاههای ایران به دلیل عدم رعایت مقررات قانونی از بررسی ثبات این ازدواج و آثار ناشی از آن فارغ خواهند بود و موضوع در دادگاههای ایران قابل رسیدگی نخواهد بود.

## تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج در ایران

همان طور که اشاره شد کشور ایران جزء کشورهای است که اصطلاحاً «تحمیلی» نامیده شده و در صورت ازدواج زنی خارجی با مردی ایرانی، تابعیت ایران را به زن خارجی تحمیل می‌کند. قانون ایران بین مردی که زن خارجی یا مردی ایرانی ازدواج کند با مردی که زن ایرانی با مردی خارجی ازدواج کند تفاوت گذارده است. البته این تغییر تابعیت به زمان پس از جدایی نیز می‌تواند به نحوی سرایت کند. لذا نیلأ به بررسی هر یک از این موارد می‌پردازیم:

**اول - تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج الف - ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی - به**

موجب بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی: «هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند تبعه ایران محسوب می‌شود.» در این مورد تفاوتی نمی‌کند که زن تمایلی به پذیرش این تابعیت دارد یا خیر و قانون کشور متبوع زن مطلب را چگونه پیش بینی کرده است و تابعیت اولیه و اصلی زن، پس از این ازدواج هم چنان به جای خود باقی می‌ماند یا از وی سلب می‌شود. بنابراین ملاحظه می‌شود که این تابعیت کاملاً خارج از اراده خود زن بوده و تحمیلی محسوب می‌شود.

بدیهی است که هرگاه چنین ازدواجی طبق قوانین ایران صورت گرفته و رعایت شرایط قانونی آن از نظر مقررات این کشور انجام شده باشد و به موجب ماده ۹۹۳ قانون مدنی ظرف مدت مقرر وقوع ازدواج به دوائر سجل احوال اطلاع داده شده و به ثبت رسیده باشد، زن خارجی به صرف ازدواج به تابعیت ایران درمی‌آید.

چنین زنی از هنگام ازدواج با مرد ایرانی، ایرانی محسوب می‌شود و طبعاً از کلیه حقوقی که قانون برای ایرانیان شناخته مثل حقوق خصوصی، حقوق عمومی و حتی حقوق سیاسی بهره‌مند می‌شود و محدودیتها و ممنوعیت‌هایی که برای بیگانگان در قوانین ما پیش‌بینی شده در مورد وی در نظر گرفته نمی‌شود. بنابراین چنین زنی می‌تواند در ایران به شغل اشتغال داشته، دارای اموال منقول و یا غیر منقول باشد و در انتخابات شرکت کند.

اما از نظر قانون کشور متبوع زن در این خصوص دو حالت متصور است:

حالت اول اینکه قانون کشور متبوع زن هم چنان وی را، علیرغم ازدواج با مرد بیگانه، تبعه خود بشناسد که در این صورت زن در هنگام ازدواج

دارای دو تابعیت (تابعیت مضاعف) خواهد شد و چنین وضعیتی در تابعیت اطفالی که متعاقباً از این ازدواج حاصل می‌شوند مؤثر خواهد بود، زیرا بر حسب قانون کشور متبوع زن ممکن است این تابعیت نیز علاوه بر تابعیت ایرانی به آنها داده شود و آنان نیز دارای تابعیت مضاعف شوند.

حالت دوم اینکه قانون کشور متبوع زن جهت جلوگیری از تابعیت مضاعف، وی را به نحوی از تابعیت خود خارج کند که در این صورت وضعیتهای متفاوتی ممکن است بر حسب قوانین کشورهای مختلف وجود داشته باشد:



۱- کشور متبوع زن، بر حسب قوانین خود به محض ازدواج وی با مردی بیگانه و تحمیل تابعیت آن کشور بر زن، از وی سلب تابعیت کند که در هر حال زن بیش از یک تابعیت نداشته باشد؛ تابعیت اصلی خود تا قبل ازدواج و تابعیت کشور متبوع شوهر پس از ازدواج. لازم به ذکر است که به موجب ماده ۸ کنوانسیون لاهه در مورد تعارض قوانین تابعیت، برای تحصیل تابعیت شوهر، تصدیق دولت متبوع زن در خصوص از دست دادن تابعیت اصلی وی لازم است، اما نظر به اینکه دولت ایران به کنوانسیون فوق‌الذکر نپیوسته، چنین تصدیقی را لازم نمی‌داند.

۲- کشور متبوع زن، بر حسب قوانین خود، در صورت ازدواج وی با مردی بیگانه و تحمیل تابعیت آن کشور بر زن، به وی اختیار خروج از تابعیت خود را بدهد. به عبارت دیگر تسهیلاتی قایل شود که اگر خود زن بخواهد به سادگی و با ارائه مدارک مربوط به ازدواج و تحمیل تابعیت کشور خارجی، از تابعیت کشور متبوع خود خارج شود که در این صورت، اگر زن چنین تقاضایی را از مقامات کشور متبوع اولیه خود بکند از این تابعیت خارج می‌شود و فقط یک تابعیت خواهد داشت. اما اگر چنین تقاضایی را نکند هم چنان تابعیت اصلی خود را، علیرغم تحمیل تابعیت کشور متبوع زوج، خواهد داشت و در نتیجه دارای دو تابعیت خواهد شد.

ب - ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی - مقررات قانون مدنی ایران در مورد زن ایرانی که بخواهد با مرد خارجی ازدواج کند، به حق کاملاً متفاوت است بدین ترتیب که طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی

چنین زنی به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه تحمیل تابعیتی در این خصوص از سوی قانون کشور متبوع زوج (مثل قانون ایران) پیش‌بینی شده است. یعنی اگر قانون کشور متبوع شوهر در اثر ازدواج یکی از اتباعش با زنی خارجی، تابعیت شوهر را بر زن تحمیل نماید، جهت جلوگیری از تابعیت مضاعف زن، ماده ۹۸۷ قانون مدنی طوری پیش‌بینی نموده که در این صورت زن ایرانی خود به خود در اثر ازدواج و تحمیل تابعیت شوهر بر وی از تابعیت ایران خارج شود (تابعیت ایرانی از وی سلب شود). اما اگر تابعیت شوهر بر زن تحمیل نشود، تابعیت ایرانی وی هم چنان برقرار بماند تا احیاناً باعث بی‌تابعیتی زن نشود. البته در این حالت اگر زن ایرانی پس از ازدواج با مرد خارجی بخواهد جهت حفظ وحدت خانواده به تابعیت شوهر درآید می‌تواند با ارائه مدارک مربوط به ازدواج و تحمیل تابعیت جدید از تابعیت ایرانی خارج شود.

ماده ۹۸۷ قانون مدنی اعلام می‌دارد: «زن ایرانی که با تبعه خارجی مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوج تحمیل شود. بنابراین در واقع ماده مزبور در مورد ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی دو حالت را در نظر گرفته است:

۱- بقای زن ایرانی بر تابعیت ایرانی خود، در صورت عدم تحمیل تابعیت شوهر بر وی، به منظور جلوگیری از بی‌تابعیتی احتمالی زن.

۲- سلب تابعیت ایرانی زن، در صورت تحمیل تابعیت شوهر بر وی، به منظور جلوگیری از تابعیت مضاعف زن، اما هرگاه قانون کشور متبوع زوج، تابعیت خود را بر زن تحمیل نکند در واقع وی را بین حفظ تابعیت اصلی و کسب تابعیت شوهر آزاد گذارده که در این صورت نیز به موجب تبصره ۱ ماده ۹۸۷ قانون مدنی دو حالت قابل تصور است:

۱- عدم تمایل زن به کسب تابعیت شوهر و بقای وی بر تابعیت ایرانی.

۲- تمایل زن به کسب تابعیت شوهر و تقاضای خروج از تابعیت ایرانی از وزارت امور خارجه با ذکر علل موجه.

تبصره ۱ ماده ۹۸۷ مقرر داشته است: «هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج، زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد، در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای

تابعیت حاصل شده باشد، حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد ندارد. تشخیص این امر با کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارت خانه‌های امور خارجه و کشور و اطلاعات است. (تبصره ۲ ماده ۹۸۷ ق.م. اصلاحی ۷۰/۸/۱۴)

## دوم - تغییر تابعیت زن در اثر طلاق و جدایی

الف - تغییر تابعیت زنی که در اثر ازدواج با مرد ایرانی به تابعیت ایران درآمده است. زن خارجی که به موجب بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، در اثر ازدواج با مرد ایرانی به تابعیت ایران درآمده، پس از فوت شوهر یا احیاناً بعد از طلاق هم چنان به تابعیت ایرانی که در اثر ازدواج اکتساب نموده باقی می‌ماند، مگر اینکه بخواهد با قطع رابطه زوجیت این ارتباط را نیز قطع کند که در این صورت مطابق ماده ۹۸۶ قانون مدنی می‌تواند با اعلام مراتب طی درخواستی کتبی (۷) به وزارت امور خارجه و تقدیم گواهی فوت شوهر یا طلاق، تقاضای خروج از تابعیت ایرانی و بازگشت به تابعیت اول خود را بنماید. اما در صورتی که قطع رابطه زوجیت در اثر فوت شوهر باشد و از وی اولادی داشته باشد تا زمان رسیدن فرزند یا فرزندان به سن ۱۸ سال تمام نمی‌تواند از این حق استفاده کند.

زنی که بدین ترتیب پس از انحلال ازدواج با تقاضای خود از تابعیت ایران خارج می‌شود، از این پس بیگانه محسوب می‌شود و به موجب ماده ۹۸۶ قانون مدنی حق داشتن اموال غیر منقول را فقط در حدی که این حق به اتباع خارجی داده می‌شود خواهد داشت. بنابراین در صورتی که در طول مدتی که دارای تابعیت ایرانی بوده، اموال غیر منقولی بیش از این حد به دست آورده باشد یا حتی بعداً از طریق ارث (مثلاً فوت یکی از فرزندان) اموال غیر منقولی بیش از آن حد به وی برسد باید ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک (در مورد ارث) مقدار مازاد را به نحوی به اتباع ایرانی منتقل کند. در غیر این صورت دولت ایران اموال مزبور را به فروش رسانیده و پس از کسر هزینه‌ها قیمت را به او خواهد داد.

ب - تغییر تابعیت زنی که در اثر ازدواج با مرد خارجی از تابعیت ایران خارج شده است. زن ایرانی که در اثر ازدواج با مرد خارجی، تابعیت شوهر بر وی تحمیل شده، یا به درخواست خود از تابعیت ایران خارج شده نیز پس از فوت



تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.»

هرگاه زن ایرانی بخواهد از اختیاری که در تبصره ۱ ماده ۹۸۷ به وی جهت خروج از تابعیت ایران داده شده استفاده کند، به موجب قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۹۸۷ «مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره آن در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را ترک نموده‌اند شامل زنان مزبور نخواهد بود» و به سادگی به صرف تقاضای زن، علل آن بررسی می‌شود و نیازی به تحمیل شرایط دیگری نیست.

زن ایرانی که در اثر ازدواج با مرد بیگانه به تابعیت کشور متبوع شوهر درآمده، چه این امر در اثر تحمیل تابعیت زوج بر زوجه صورت گرفته باشد، چه در اثر تقاضای زن این تغییر

شوهر یا طلاق هم چنان به تابعیت خارجی خود باقی می‌ماند، اما می‌تواند طی درخواستی کتبی به وزارت امور خارجه ایران و تقدیم گواهی فوت شوهر یا طلاق تقاضای خروج از تابعیت خارجی و بازگشت به تابعیت اول خود (ایران) را بنماید.<sup>(۳)</sup> اگر چه دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون لاهه در مورد تعارض قوانین تابعیت ملحق نشده اما این امر مطابق با قسمت اول ماده ۱۱ کنوانسیون مزبور می‌باشد که به موجب آن «زن بعد از انحلال ازدواج، تابعیت اولیه خود را به دست نخواهد آورد مگر با درخواست خودش» به موجب قسمت دوم ماده ۱۱ کنوانسیون فوق‌الذکر «هرگاه زن تابعیت اولیه خود را به دست آورد، تابعیتی را که در اثر ازدواج به دست آورده بود از دست خواهد داد».

## تغییر تابعیت در کشورهای دیگر:

در خاتمه اشاره مختصری به قوانین بعضی از کشورهای دیگر در مورد تغییر تابعیت در اثر ازدواج لازم به نظر می‌رسد: کشورهای که طرفدار اصل وحدت تابعیت بوده، قائل به تحمیل تابعیت خود بر زن خارجی در صورت ازدواج با مردی از اتباع خود می‌باشند، مطابق فهرست تهیه شده در وزارت امور خارجه عبارتند از:

- ۱- اسپانیا ۲- افغانستان ۳- حبشه ۴- سوئیس
- ۵- نیوزیلند ۶- ایتالیا طبق ماده ۱۰ قانون تابعیت ایتالیا، زن خارجی تابعیت ایتالیایی شوهر خود را تحمیل می‌نماید مگر این که اقامتگاهش در خارج بوده یا به خارج انتقال دهد
- ۷- بلژیک، تابعیت شوهر بلژیکی به زن خارجی که با وی ازدواج می‌نماید تحمیل می‌گردد، مگر اینکه زن ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ عقد ازدواج با تسلیم اظهارنامه، عدم پذیرش خود را اعلام دارد.

۸- بحرین، طبق ماده ۷ قانون تابعیت بحرین (مصوب ۱۹۶۲) تابعیت مرد بحرینی به زن خارجی تحمیل می‌گردد اما نه بلافاصله و به صرف ازدواج بلکه زن خارجی با موافقت مقامات امنیتی پس از دو سال به تابعیت بحرین در می‌آید.

۹- سنگال، به موجب ماده ۷ قانون تابعیت سنگال (مصوب ۱۹۶۱) تابعیت شوهر سنگالی به زن خارجی تحمیل می‌گردد ولی دولت سنگال حق دارد ظرف یکسال مخالفت خود را اعلام دارد. یعنی زن را به تابعیت خود نپذیرد.

۱۰- عربستان سعودی، به موجب ماده ۱۶

قانون تابعیت عربستان سعودی تابعیت زوج با تسلیم تقاضای زوجه بیگانه و پس از موافقت وزارت کشور صورت گرفته و برای این گونه بانوان پروانه اقامت صادر می‌شود.

۱۱- فرانسه، حسب ماده ۲۷ قانون مدنی فرانسه تابعیت مرد فرانسوی به زن خارجی تحمیل می‌گردد. لیکن طبق ماده ۲۸ زن خارجی می‌تواند قبل از ازدواج انصراف خود را از قبول تابعیت فرانسه اعلام نماید.

۱۲- قطر، طبق رویه معمول در قطر، تابعیت مرد قطری به زن خارجی تحمیل می‌گردد اما استثنائاتی نیز وجود دارد.

۱۳- ویتنام، طبق ماده ۲۲ قانون تابعیت ویتنام، تابعیت آن کشور به زن خارجی تحمیل می‌گردد مگر اینکه زن طبق ماده ۳۲، قبل از انجام مراسم ازدواج و یا در حین آن طی اظهاریه رسمی انصراف خود را از قبول تابعیت ویتنام ابزار دارد.

۱۴- یونان، به موجب بند ۱ ماده ۴ قانون تابعیت یونان (مصوب ۱۹۵۵) زن خارجی که با مرد یونانی ازدواج می‌نماید تابعیت آن کشور را تحصیل کرده، مگر اینکه قبل از ازدواج طی اظهارنامه رسمی مراتب تمایل خود را بر حفظ تابعیت اصلی اعلام نماید.

کشورهایی که طرفدار اصل استقلال تابعیت می‌باشند و به موجب قوانین تابعیت آنها، زن خارجی در صورت ازدواج با مردی از اتباع این کشورها، اختیار حفظ تابعیت اصلی یا تحصیل تابعیت زوج را دارد. مطابق فهرست وزارت امور خارجه عبارتند از: آرژانتین، آفریقای جنوبی، آلمان، آمریکا، اتریش، اردن هاشمی، استرالیا، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، انگلستان، ایسلند، برزیل، بلغارستان، پاکستان، تایلند، ترکیه، تونس<sup>(۴)</sup>، چک و اسلواکی، دانمارک، رومانی، روسیه، ژاپن، سوئد، سوریه، عراق، عمان و مسقط، قبرس، فنلاند، کانادا، کویت، لبنان، لسوتو، لهستان، مجارستان، مراکش، مصر، نروژ، هلند، هند، یوگسلاوی.

از مجموع بحث فوق این نتیجه حاصل می‌شود که علیرغم لزوم اصل وحدت در خانواده، تمایل اغلب کشورها به رعایت این اصل از ناحیه‌ی خود زن می‌باشد. زیرا ملاحظه شد که تعداد کشورهایی که به عنوان «تحمیلی» از آنها یاد شد حدود یک سوم کشورهایی است که به عنوان «اختیاری» ذکر شدند. بعلاوه یک سوم از کشورهای دسته اول نیز عملاً موضوع را به تقاضای خود زن موکول کرده و یا اعلام

انصراف وی را قبل یا بعد از ازدواج به نحوی پیش‌بینی کرده‌اند و فقط تعداد معدودی تحمیل تابعیت بر زن خارجی را به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی پذیرفته‌اند.

به نظر می‌رسد این امر علاوه بر رعایت تساوی حقوق زن و مرد، از یک طرف باعث جلوگیری از ازدیاد موارد تابعیت مضاعف که از معضلات قرن اخیر است شده و از طرف دیگر چون جنبه اجبار و تحمیل تابعیت از بین می‌رود، زن با میل و رغبت و با این فکر که به خواست خودش تابعیت کشور شوهر را پذیرفته، از برخورداری از حقوق کشور متبوع شوهر به عنوان تبعه استقبال نموده و این وضعیت در سایر مسائل خانواده نیز تأثیر مثبتی خواهد گذارد. □

### ۱- تابعیت:

رابطه‌ای است سیاسی که فردی با چیزی را به دولتی مرتبط می‌سازد به طوری که حقوق و تکالیف اصلی وی از همین رابطه ناشی می‌شود مانند تابعیت هرکس نسبت به دولت متبوع و تابعیت کشنی و هواپیما، در حقوقهای مذهبی ملاک تابعیت مذهب است و فاقد مذهب معین نسبت به اهل آن مذهب، اجنبی (یا کارگر) محسوب می‌شود.

۲- در این خصوص وزارت امور خارجه فرم‌های نمونه‌ای را تنظیم نموده، فرم ۶ در مورد (۱) و فرم ۷ در مورد (۲) توسط متقاضی تکمیل و پس از تصدیق صحت امضاء و هویت وی تسلیم وزارت امور خارجه می‌کند و رعایت هیچ گونه شرایط دیگری جهت ترک تابعیت ایران مطابق ماده ۹۸۸ ق.م.ل.ا.م.م لازم نیست.

۳- پاورقی شماره ۲ مطالعه شود.

۴- به موجب مواد ۱۳ و ۱۴ قانون تابعیت تونس (۲۸ توره ۱۹۶۴) در واقع تحمیل یا انتخاب تابعیت تونس از سوی وی که با

مردی تونس ازدواج می‌کند بستگی کامل به قانون کشور متبوع زن دارد. زیرا حسب ماده ۱۳ «زن بیگانه که با یک نفر تونس ازدواج می‌نماید از تاریخ عقد ازدواج، تونس محسوب خواهد شد مشروط

بر اینکه قانون ملی آن زن تابعیت اصلی او را به محض ازدواج با شخص خارجی از او سلب می‌نماید. و حسب ماده ۱۴ «زن بیگانه

که با مردی تونس ازدواج نموده و به موجب قانون ملی خویش تابعیت اصلی خود را علیرغم ازدواج با شخصی بیگانه هم چنان

حفظ می‌نماید با تقدیم اظهاریه‌ای که با مراعات ماده ۳۹ این قانون تنظیم می‌گردد می‌تواند تقاضای تابعیت تونس را نماید. مشروط بر

اینکه زن و شوهر حداقل مدت دو سال در تونس اقامت داشته باشند، زن نامبرده از تاریخ ثبت این تقاضا با توجه به مواد ۱۵ و ۴۱

این قانون تونس خواهد بود.